

مبارزه علیه عوامل مهاجرت - همبستگی با پناهجویان



مارتین دولسر عضو حزب چپ آلمان که در پارلمان ایالتی هامبورگ عضویت دارد از مدت زمان مدیدی در جنبش مهاجران فعالیت دارد و در حال حاضر در جنبش همبستگی با مهاجران لمپیدووزا فعالیت دارد. موصوف اندکی پیش از شرکت در محفل حزب کمونیست آلمان در شهر هلمسهورن از روجاوه و خوبانی برگشته یعنی تازه ترین معلومات را از آنجا با خود آورده است. وی به علل خوفناک و هیجان برانگیز پیشینه و عوامل مهاجرت اشاره میکند. از همین جاست که وی بر یکی از پروژه های کشور های ناتو بنام "پروژه شرق میانه کبیر" که در سال های اخیر و در حال حاضر در دست اجرا قرار دارد مکت میکند.

"پیروزیهای" این سیاست یعنی تقسیم بندی امروزی خلقها به گروپهای اتنیکی، مذهبی و قومی که در افغانستان، لیبیا و مالی نیز دیده میشود باعث گردیده است تا در نتیجه فقر، بیچاره گی، ویرانی و جنگ مستولی شده و جنبش تعمیمی مهاجرت گسترده تر گردد. ویرانی لیبیا علل بخصوصی داشت. از جانب قذافی ابتکاری راه اندازی شد تا یک بانک مرکزی افریقای، وحدت پولی و همکاری مشترک اقتصادی، سیاسی و نظامی در قاره افریقا سازماندهی گردد. این امر در مخالفت با سیاست استثماری کنسرن های بزرگ و بانکهای ایالات متحده آمریکا و اروپای غربی قرار داشت و این خود علتی برای جنگ تبلیغاتی تمام عیارنو استعماری همگانی و پیش از همه کشور های ناتو در برابر لیبیا بود که نتیجه آن ویرانی شدید و برخورد ها و عدم ثبات کلیه مناسبات زنده گی است که تا امروز نیز ادامه دارد.

از سال های ۶۰ سده گذشته بدینسو این سیاست ویرانگرانه کشور های امپریالیستی و همگرایی های شان در شمال افریقا و تعدادی از کشور های عربی بود که تا امروز با "دشمنان" فراخوانده از جانب همان نیرو های ویرانگر چون دولت اسلامی (داعش) و سائر نیرو های ارتجاعی در نبرد مستدام قرار دارند.

"انستیتوت اروپایی" از مدت زمان مدیدی بحیث "زراد خانه فکری" فعالیت دارد و سندی که از سال ۲۰۰۹ بنام "استراتیژی ۲۰۲۰" وجود دارد زاده همین نهاد است. درین سند مبارزه طبقاتی سازمان یافته از بالا به نفع بخشهای تعیین کننده سرمایه مالی بزرگ این منطقه ترسیم گردیده است. در سند نظریاتی در زمینه سیستم های تسلیحاتی که برای مأموریت های جنگی در شمال افریقا و کشور های عربی مؤثر اند بگونه مثال در کنار سائر تسلیحات در مورد هلیکوپتر ها و طیارات خاص بدون سرنشین روشنی انداخته شده است. همچنان در سند سیاست خارجی و امنیتی بخاطر حمایت اروپا مطرح میگردد جایی که در سال ۲۰۰۴ بنیانگذاری فرونتکس آماده گردید.

تحکیم قدرت سرمایه بایستی بوسیله عدم ثبات، گسترش نفوذ، سناریوی قیامها زیر چتر انقلابهای رنگین، تدابیر اقتصادی و بالاخره جنگ تأمین و تعمیم می یافتند. در سند روی ادامه سیاست نو استعماری تأکید شده است. اسناد مربوط به این سیاست را میتوان در صفحه انترنتی (ای یو آی اس اس) که درج گزارش نمبر ۱۶ است مطالعه کرد.

درین سند همچنان در مورد تقسیم مناطق تحت نفوذ کشور های امپریالیستی اتحادیه اروپا و سائر کشور های اروپایی مقدم بر همه روسیه و کشور های شرق نزدیک تذکر رفته و در صورت ضرورت حتی در رقابت با ایالات متحده امریکا. بیانی ازین استراتیژی همانا سیاست انقلاب نارنجی در اوکراین است که در همه حال تا حدودی پیروزمند نبوده است. سیاست "تعویض رژیم" متوجه روسیه و چین است. این دو کشور که حق ویتو را در شورای امنیت سازمان ملل متحد دارند بایست در صورت امکان کنار زده شوند.

درین میان تأثیرات مختلفه این استراتیژی متبازز میگرددند. داعش با گروه های دیگری ضریب قدرت در منطقه است و راه انداز عدم ثبات در عراق، سوریه و کشور های افریقایی.

در روجاوه و خوبانی تأمین ساختار های جدید و مترقی اجتماعی مقاومت گسترده را در پی داشته است. ترکیه یکی از فکتور های ارتجاعی قدرت در منطقه است که با داشتن عضویت در ناتو در سرکوب کرد ها و سائر نیروها به کمک فعال اتحادیه اروپا و ناتو می پردازد. عربستان

سعودی، امارات متحده و سائر رژیم های ارتجاعی منطقه در مخالفت با هریک از ابتکارات سازنده و راه های حل معقول ممانعت ایجاد میکنند.

عدم ثبات درین منطقه در گُنه خود مسوولیت موج عظیمی از مهاجران بدوش دارد که در همه حال جوابگوی آن قدرت های امپریالیستی با در نظرداشت اهداف سیاسی و اقتصادی سرمایه درین منطقه میباشند. گذشته ازین از طریق صدور سلاح پول زیادی بدست می آورند و بگونه مثال میتوان از شرکت هیکلر- کوخ یادآور شد که در بندرگاه هامبورگ همیشه نقطه ارتباطی جالب صدور سلاح و معاملات تسلیحاتی بوده است.

فرونتکس به حواله این سند باید سرحدات خارجی اتحادیه اروپا را حراست نماید که البته تأمین امنیت سرحدات به وسیله ایجاد موانع سرحدی، کاربرد تخنیک جدید امنیتی و برگرداندن مستقیم مهاجران به کشور های شان شامل آنست. مرگ هزاران مهاجر مورد تأیید قرار میگیرد. عملیات جدید فرونتکس موسوم به نام خدایان یونانی میشوند، زیرا میخواهند یونانیها را نیز مسوول این راه های تهلکه بار فرار از طریق ابحار سازند. وضع ممکن است بوسیله دریافت راه های مطمئن پذیرش مهاجران هرچه زود تر تغییر یابد ولی در هر حال این خواست اتحادیه اروپا و ناتو نیست. درین زمینه تمایل سیاسی برای راه حل انسانی از میان برداشتن علل مهاجرت و برخورد متعادل انسانی با مهاجران سراغ شده نمیتواند. فسانه از میان برداشتن علل مهاجرت که همه روزه موعظه میشود- در واقعیت واقعی به آن گذاشته نمیشود- و در مقابل آگاهانه به تشدید وضع پرداخته میشود و در صدد رسوایی هر چه بیشتر آن هستند تا هرچه گسترده تر گردیده و پیش از همه با تهاجم نظامی وارد میدان گردند.

همه نیرو های مترقی باید به توضیح این مناسبات سیاسی بپردازند تا تغییر سیاسی را به نفع سیاست انسانی در برابر مهاجران بخاطر حل این معضله بین المللی و سهمگیری سازمان ملل متحد و کلیه نیرو های عدالتخواه و دموکراتیک منطقه راه اندازی نمایند.

۶۰% مردم در جمهوری فدرال آلمان خواستار پذیرش مهاجران اند و آن عده از مردمی که فعالانه و داوطلبانه درین عرصه مصروف کار اند انتظار سیاست مثبتی را دارند. با همه این نیرو های مترقی باید مبارزه مشترکی در برابر سیاست ارتجاعی سازماندهی گردد که درین زمینه استفاده از شبکه های مدرن اطلاعاتی نقش با اهمیتی را دارا است.

زمان آن نیز فرارسیده است تا راه های حل را جستجو کرد. پول برای ساختمان منازل رهائشی، برای خدمات تأمیناتی و برای رسیدن به نورم قابل پذیرش کیفیت زنده گی ضرورت است. در

فرجام ما به سیاست مترقی دگرگونه ضرورت داریم تا به ارزیابی پرابلم های مردم و مهاجران پرداخته و راه های حل بهتر آنرا در یابد.

متن: هاینس اشتیر